

## تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشور مصر

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۹ تاریخ تأیید: ۹۳/۹/۳۰

راضیه قاسمی\*

### چکیده

هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی وارد مرحله‌ای شد که مردم مسلمان کشورهای اسلامی را به تحرکی در برابر استبداد داخلی و سلطه خارجی واداشت. بیداری اسلامی که در مصر هم‌زمان با تهاجم همه‌جانبه غرب در جهان اسلام و عصر استعمار شروع شده بود، توسط کسانی چون حسن البنا و سیدقطب در مصر، ابعاد گسترده‌تری یافت، هم نتوانست وارد زندگی همه توده‌های مسلمان شود و طرحی نو دراندازد. گفتمان بیداری اسلامی برای نخستین بار توسط امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و در نهضت اسلامی مردم ایران، به «عمل سیاسی» تبدیل شد. و آن را وارد حوزه عمل همه توده‌های مسلمان کرد و توانست در مدتی بسیار کم دستاوردهای کلانی برای جامعه اسلامی و جامعه بشری به بار آورد. نخستین و مهم‌ترین دست‌آورد آن بود که گفتمان بیداری اسلامی از یک خرده‌گفتمان تبدیل به گفتمان مسلط شد. در این میان، ملت مسلمان مصر نیز همچون بسیاری از کشورهای اسلامی، تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با نیرویی تازه وارد میدان مبارزه شدند. مقاله حاضر در پی آن است تا با بررسی تحولات سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در مصر، آغاز موجی جدید از اسلام‌خواهی ملت مصر را تحت تأثیر نهضت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، مصر، اخوان المسلمین.

\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز

عصر پهلوی، دولت بیشتر از بیرون (مدل آتاتورک در ترکیه) الگو می گرفت. به همین جهت تأثیرگذاری در این دوره تاریخی محدود به منطقه و بخصوص کشورهای اسلامی بود.

نهضت امام خمینی علیه السلام اوج گرایش اصول‌گرایی اسلامی است که دیگر جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان تحت تأثیر موفقیت ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی توانا شدند. تفکر و طرح امام خمینی علیه السلام در واقع تلفیقی از هویت و توسعه بود. در حالی که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سیدجمال به دنبال توسعه و تجدد بودند و برخی هم به صورت کم‌رنگ بر هویت تأکید می‌کردند. امام خمینی علیه السلام همان گونه که به دنبال احیای هویت اسلامی بودند، توسعه نیز در گفتمان وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، توسعه‌ای که در چارچوب هویت اسلامی تعریف می‌شد. نظریه سیاسی امام منحصراً در قالب و شکل اسلامی مطرح می‌شد و همین امر موقعیت و ویژگی متمایزی به امام خمینی علیه السلام در جنبش اسلام‌گرایی در جهان اسلام می‌دهد (بابی سعید، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵).

انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی علیه السلام، در تولد و تحرک بسیاری از جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام نقش داشته است. افول قوم‌گرایی، ناسیونالیسم، لائسیسم، راه را برای حضور قدرتمندان اسلام‌گرایی در منطقه مهیا کرد و انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام هم تأثیر فراوانی در این روند گذاشت. در میان رهبران بیداری اسلامی در جهان عرب، اندیشه‌های سیدقطب تا حدی به اندیشه‌های امام نزدیک بود. «آیت الله خمینی و سیدقطب هر دو راه‌حل نهایی مسأله را، در راهی می‌دیدند که برای فهم اسلام داشتند. هر دو جهان را به صورت تقابل ما و آن‌ها در نظر می‌گرفتند. آیت الله خمینی دو قطب این تقابل را مستضعف و مستکبر می‌نامید و سیدقطب آن دو را جاهلیت و اسلام؛ هر دو آن دسته از بخش‌های جهان که نظام اسلامی بر آن حاکم نیست - و در این جا ما می‌توانیم آن بخش‌هایی را نیز که رفتار دینی بر آن‌ها حاکم نیست به آن دسته اضافه کنیم - قلمرو جاهلیت و استکبار



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو مرکز  
پرتال جامع علوم انسانی

## مصر هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران

اما اندیشه اسلام‌گرایان و تحولات اسلام‌گرایی در مصر با وقوع انقلاب اسلامی پررنگ‌تر شده و اتفاقات داخلی نیز به آن دامن می‌زد. مصر که از اواخر دهه ۱۹۷۰ اصول قدیمی امنیت ملی خود، یعنی مقابله با اسرائیل و غرب را کنار گذاشته بود، تحت رهبری سادات مظهر ثبات و منافع غرب شده بود. سادات و مبارک هر دو انقلاب ایران را تهدیدی برای امنیت ملی مصر تلقی می‌کردند. انقلاب ایران تمام دولت‌های محافظه‌کار، ضعیف، ناپایدار و فاسد عرب را تهدید می‌کرد. بنیادگرایی انقلاب اسلامی ایران که موجب تشویق بنیادگرایان اسلامی مصر شده بود، نگرانی این کشور را دو چندان کرده بود. این مسائل ایران و مصر را رو در روی یکدیگر قرار داد به طوری که در کمتر از ۳ ماه بعد از پیروزی انقلاب، ایران روابط سیاسی خود را با مصر و اسرائیل قطع کرد. قطع روابط ایران با مصر، اسرائیل و آمریکا یک عقب‌گرد استراتژیک بزرگ برای آمریکا بود. مصر در آن زمان نتوانست نقش عمده‌ای در قبال ایران به دلایل زیر ایفا کند:

۱. مصر با امضای معاهده صلح با اسرائیل در جهان عرب منزوی شده بود. دولت‌های عرب هرچند از بازتاب‌های انقلاب ایران نگران و هراسان بودند، اما نمی‌توانستند به مصر نزدیک شوند و خواستار حمایت آن گردند.
۲. با منزوی شدن مصر، عراق نقش رهبری کشورهای عرب را بر عهده گرفته بود. عراق در حمله به مصر، به دلیل خیانت آن کشور به اعراب نقش مهمی را ایفا کرد.
۳. مصر مشغول ایجاد تغییرات اساسی در ساختار نیروها و تجهیزات نظامی خود از سیستم‌های روسی به سیستم‌های غربی بود و در نتیجه قادر به حمایت نظامی از کشورهای عرب نبود (هاشم، ۱۳۷۳، ص ۲۷۷).



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

سقوط رژیم مصر باشد. هم‌چنین برخی از دیپلمات‌های غربی بر این عقیده بودند که کشورهای عربی صاحب نفت، تاکنون به این علت در کنار مصر بوده‌اند که تصور می‌کرده‌اند که سادات در قاهره سیاستی را اعمال می‌کند که موجبات خنثی کردن فعالیت روی کار آمدن یک دولت کمونیستی در این کشور خواهد بود ولی بروز انقلاب اسلامی ایران و سقوط شاه و خروج از آن کشور نفت خیز ثابت کرد که متحد شدن مسلمانان با یکدیگر قادر است در بسط نفوذ کمونیسم در خاورمیانه جلوگیری به عمل آورد. این مهم بود که اعراب به این موضوع معتقد شده بودند که انقلاب ایران و سقوط شاه رهنمودی است برای مردم مصر در سقوط رژیم انور سادات (منتظمی، ۱۳۵۸، ص ۴۹).

### سیاست مصر در قبال جنگ ایران و عراق

اما در جنگ عراق با ایران، سادات به علت اختلافاتی که با عراق داشت، تجاوز این کشور را به ایران محکوم کرد و عراق را «متجاوز» اعلام کرد، کاری که سازمان ملل در اواخر جنگ تحت فشار ایران و شرایط جدید بین‌المللی به آن مبادرت نمود. اما با کشته شدن سادات و انتخاب حسنی مبارک به ریاست جمهوری، وی در خصومت با ایران تا آنجا پیش رفت که با تمام توان در کنار عراق قرار گرفت (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). به همین دلیل در مصر نیز گروه جماعت‌الاسلامیه که بعدها توسط رژیم جماعت‌الجهاد نامیده شد فعالیت خود را آغاز کرد و هر چند که موفق به ساقط کردن رژیم حاکم نشد اما توانست انور سادات را که عامل اجرای معاهده کمپ دیوید و صلح با صهیونیست‌ها بود به هلاکت برساند. این ترور یکی از دو پیروزی عمده اسلام‌گرایان در به زیر کشیدن دو عنصر وابسته به غرب یعنی شاه در ایران و سادات در مصر بود؛ هرچند که در ماهیت بسیار متفاوت هستند (توکلی، ۱۳۸۸، ص ۲۰).



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني



### شرایط مشابه حکومت مصر و حکومت پهلوی

بررسی اوضاع مصر نشان می‌دهد که دولت‌های حاکم بر مصر و رژیم پهلوی در ایران در چند بحران مشابه دست و پا می‌زدند که آن‌ها را وادار می‌کرد برای جلوگیری از نابودی خویش به سرکوب ملت‌هایشان بپردازند. این بحران‌ها عبارت بودند از: ۱. بحران هویت؛ ۲. بحران مشروعیت؛ ۳. بحران اخلاقی؛ ۴. بحران اقتصادی (منتظمی، ۱۳۵۸، ص ۲۵)

سادات بی‌توجه به اعتقادات و اندیشه‌های ملت مسلمان مصر، نظامی کاملاً مغایر با قوانین اسلام بنیاد گذاشت و حتی با تبلیغ بازگشت به گذشته خود را فرعون مصر نامید. او زنانی را که چادر بر سر داشتند، به خیمه‌های متحرک تشبیه می‌کرد و ریش مردان مسلمان را به استهزاء می‌گرفت. سادات در نهایت کار را به جایی رساند که اولین امضای معاهده صلح با صهیونیست‌ها را با قلم خود صورت بخشید؛ هرچند فتوای هیئت بزرگ علمای الازهر عاقد قرارداد صلح با اسرائیل را کافر اعلام کرده بود. انعقاد صلح کمپ دیوید توسط انور سادات و خارج کردن مصر از مجامع عربی - اسلامی چنان بحران مشروعیتی را برای رژیم این کشور رقم زد که به انزوای گسترده مصر در میان کشورهای عرب و مسلمان منجر شد و علاوه بر آن عوارض روانی شدیدی را نیز در داخل مصر به وجود آورد. در آن اوضاع و احوال سادات برای حفظ رژیم دقیقاً پس از سفر به آمریکا با استفاده از قانون تحفظ بسیاری از رجال سیاسی، علما، نویسندگان و مبارزان را به طور دسته‌جمعی دستگیر و زندانی کرد. سقوط شاه در ایران این بحث را بر سر زبان‌ها انداخته بود که سادات شاه دوم است و این جمله چنان عصبانیت وی را برمی‌انگیخت که آشکارا آن را تکذیب می‌کرد. سادات به رغم مخالفت مردم با وی، در جریان جرح و تعدیل قانون اساسی سال ۱۹۸۰ خود را به سمت رئیس‌جمهور مادام‌العمر مصر منصوب کرد و حفظ موقعیت خود را تا هنگام مرگ تضمین کرده بود. سیاست درهای باز (الانفتاح) در اواخر دهه هفتاد از معضلات اقتصادی مصر بود که در سایه اشتباهات



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښتی  
پرتال جامع علوم انسانیت

برانگیخت. به دنبال نطق سادات تظاهرات ضد ساداتی آغاز گشت. در روز ۶ مارس ۱۹۷۹ در محوطه دانشگاه قاهره تظاهرات شدیدی برپا شد. تظاهرکنندگان که تعدادشان به ۷ هزار نفر بالغ می‌گشت با دادن شعارهایی انقلاب ایران را تأیید نموده و رژیم سادات را مورد سرزنش قرار دادند. سپس رئیس و معاون دانشکده حقوق و شیخ «عبدالوهاب فائد» رئیس دانشکده معارف اسلامی در مدینه منوره و گروهی از استادان و مربیان به دانشجویان پیوستند. در این هنگام «شیخ صلاح ابواسماعیل» نماینده مجلس شورای ملی برای جمعیت سخنران کرد. او ضمن سخنانش، خطاب به تظاهرکنندگان گفت: «ما حرف‌هایی که نتوانستیم زیر قبه مجلس شورا بگوییم در این جا بیان می‌کنیم.» سپس به گفته نادرست و غیرمنطقی سادات در مورد جدایی دین از سیاست اشاره کرد و ضمن انتقاد از آن اظهار داشت: «هر کس این عقیده را داشته باشد یا کافر است یا جاهل، یا احمق است یا مزدور، که در همه حال کافر خواهد بود و مستوجب هلاکت» (همان، ص ۴۴).

با آن که مجازات حبس ابد برای تظاهرات در سال ۱۹۷۹ به تصویب مجلس مصر رسیده بود، در روز ۷ مارس ۱۹۷۹ دانشجویان دانشکده فنی در یک اجتماع ۲ هزار نفری به خیابان‌ها ریخته و ضمن طرفداری از انقلاب اسلامی ایران علیه سادات شعار دادند. بنا به اعلامیه اتحادیه دانشجویان اسلامی روز جمعه ۱۵ مارس ۱۹۷۹ در تمام مساجد پس از اقامه نماز جمعه، دو رکعت نماز عزا برای شهدای ایران گذارده شد (همان، ص ۴۷).

در روز ۱۸ مارس حزب تجمع ترقی خواه که یک حزب چپ گراست اما جناح مذهبی آن بسیار قوی است، طی یک اعلامیه مخفی ضمن طرفداری از انقلاب اسلامی ایران و محکوم ساختن گفتگوهای خائنانه مصر و اسرائیل، شدیداً به سادات حمله کرده و اعلام کرد: مردم به زودی از سادات و حکومتش انتقام خواهند گرفت.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پرتال جامع علوم انساني

فرصت، گروه‌های اسلامی را مورد حمله قرار داد و آن‌ها به این جنایات متهم کرد. این اقدام هماهنگ و سازمان‌یافته برای برهم زدن وحدت میان گروه‌های اسلامی، به دستگیری گسترده مخالفان دولت تبدیل شد که تعدادشان به ۱۶۳۵ نفر می‌رسید که گروه‌های مختلفی از دانشجویان، روزنامه‌نگاران گرفته تا سیاستمداران، روشنفکران و رهبران دینی را شامل می‌شدند (همان، ص ۵۲).

عمر تلمسانی رهبر اخوان المسلمین، دکتر حلمی الجزار رهبر انجمن‌های اسلامی وابسته به اخوان المسلمین در دانشگاه‌ها، شیخ احمد محلاوی امام جمعه مسجد ابراهیم اسکندریه و محمدحسین هیکل سیاستمدار و روزنامه‌نگار معروف و تعدادی دیگر طی این دستگیری‌ها به زندان افتادند و علاوه بر آن سعی شد تا ایران و شوروی را به عنوان عوامل تحریک‌کننده در جریان‌های داخلی مصر معرفی کنند. سادات در این زمان از این که بین او و شاه ایران مقایسه‌ای صورت گیرد، به شدت حساس بود و از طرح این مسائل تنفر داشت. سادات در مقابل انتقادات شیخ احمد محلاوی از زندگی مترفانه او و همسر جیپهان سادات، وی را مورد هجوم قرار داد و گفت: «مردی که این سخنان را علیه ما رواج داده، هم اکنون مانند سگی در زندان اسیر است.» سادات گروه‌های اسلامی را به شدت تحقیر کرد و حجاب دختران مسلمان را به خیمه‌ای متحرک تشبیه کرد و ریش داشتن مسلمانان مبارز را به سخره گرفت. دیپلماسی سادات و کارگزاران رژیم وی بر این استوار بود که با وابسته نشان دادن گروه‌های اسلامی به کشورهای خارجی مانند ایران، زمینه کاملاً آماده‌ای را برای سرکوب وحشیانه آنان به دست آورد (توکلی، ۱۳۸۸، ص ۸۰). در همین زمان کمال حسن‌علی وزیر خارجه وقت مصر و پطرس غالی وزیر مشاور در امور خارجی، طی سخنانی به طور هم‌زمان، جمهوری اسلامی ایران را عامل اصلی حوادث فرقه‌ای و کشمکش‌های مذهبی در مصر معرفی کردند و نیت جمهوری



پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار

رهبران جماعت اسلامی با شناختی دقیق و عمیق از چگونگی شرایط داخلی حاکم بر مصر، شرایط دنیای اسلام و جامعه بین‌المللی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران دگرگون شده بود و همچنین شناخت ضعف‌های آشکار مبارزان پیشین مانند حسن‌البناء، سیدقطب و عبدالقادر عوده به تفکر و چاره‌جویی پرداختند. آنها می‌دانستند که تنها حکومت اسلامی با استقرار خود می‌تواند به عنوان یک مرکز قوی مطرح باشد و شکست رهبرانی که نتوانسته‌اند اندیشه‌های اصلاحی خود را پیاده کنند، فقط به خاطر عدم توفیق آنان در پیاده کردن یک حکومت اسلامی در کشور بوده است. تشکیل حکومت اسلامی به عنوان اولین قدم در راه ایجاد مرکزیت و اصلاح خطاها و انحرافات، یک ضرورت قطعی به نظر می‌رسید. آنها ریشه خطای سیاسی و انحراف در مکتب اهل تسنن را، این چنین دیده بودند که حکامی بی‌کفایت و دارای فساد سیاسی و اخلاقی به راحتی مورد قبول عامه مردم واقع می‌شوند و این میسر نمی‌شود جز به این دلیل که تقریباً تمامی مردم به طور اتوماتیک با آنها بیعت می‌کنند.

ستوان احمد شوقی اسلامبولی که به خاطر اجرای عملیات قهرمانانه خویش در اعدام انقلابی انورسادات، به عنوان یکی از الگوهای اسلام‌گرایان در دهه ۸۰ مشهور شد، به همراه سه تن دیگر از دوستان هم‌رزمش پس از انجام این اقدام حماسی به شهادت رسیدند. با الحاق سازمان الجهاد به رهبری محمدسالم الرحال به جماعت اسلامی، رهبران تصمیم گرفتند که برنامه‌ریزی برای قیام را آغاز کنند. اعتقاد رهبری جماعت اسلامی بر این نکته استوار بود که با هم درکوبیدن رأس هرم قدرت در مصر و تصرف پایگاه‌های عمده سیاسی و نظامی، نیروی انقلابی مردم در مصر خواهد شد، یعنی به طور طبیعی جمعیت به راه خواهند افتاد و در نهایت زمینه تشکیل نظام اسلامی شکل خواهد گرفت. جریانات و شرایط داخلی آن زمان مصر به گونه‌ای بود که چنین باوری را به خوبی قابل هضم می‌کرد، با توجه به اینکه اشتها سادات به ابتدال سیاسی و اخلاقی در داخل مصر و یا در عرصه‌های بین‌المللی، کمترین مقبولیتی را



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني



بروز انقلاب اسلامی پدیدار می‌شود؛ خصوصاً اگر آنان از راه رادیو و تلویزیون به وقوع انقلاب اسلامی در کشور پی ببرند. اندیشه اعدام انقلابی سادات در سازمان، امری کاملاً پذیرفته شده بود، به خصوص آنکه مفتی جماعت، شیخ عمر عبدالرحمن نیز حکم به کافر بودن وی و مهدورالدم بودنش داده بود (هیکل، ۱۳۶۰، ص ۳۷۳). رهبران جماعت معتقد بودند که ضربه افراد انقلابی به جایگاه و هلاکت سادات می‌تواند عده زیادی را از ترس و اسارت برهاند و چنین وضعی تقریباً مشابه انقلاب ایران علیه شاه خواهد بود. قرار بود پس از ترور سادات، برنامه‌هایی برای عملیات اشغال مراکز حساس و سقوط حکومت انجام شود و وزارت دفاع، ستاد کل ارتش، وزارت کشور، سازمان امنیت و رادیو و تلویزیون را تسخیر نماید. اعلامیه‌ای که برای پخش در رادیو آماده شده بود، آغاز انقلاب اسلامی را در مصر اعلام می‌کرد. و این‌ها همه الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران بود. در همان زمان که خالد و یارانش، مشغول انجام مسئولیت‌های خود برای اعدام انقلابی سادات بودند، در شب ششم اکتبر حادثه‌ای بسیار مهم و سری به وقوع پیوست و آن دستگیری ۱۸۰ تن از اعضای نظامی و افسران وابسته به سازمان بود که قرار گذاشته بودند پس از ترور سادات، اهداف قیام را عملی کنند. در آن هنگام رژیم مصر برای آن که آوازه فعالیت‌های انقلابی این کشور در سراسر جهان انعکاس نیابد، جریان را کاملاً سری نگه داشت. این اقدام نیروهای امنیتی موجب عقیم ماندن برنامه‌های قیام پس از ترور شد. در این شرایط، آشفتگی جدی بر سازمان حکم فرما بود. عملیات ترور سادات، ساعت صفر نام گرفته بود و رهبران جماعت نیز چنین می‌اندیشیدند که اگر اقدامات خالد و یارانش عملی شود و با موفقیت صورت پذیرد، به طور حتم آنان به شهادت می‌رسند و به این ترتیب اسرار سازمان محفوظ می‌ماند. به علاوه آنان معتقد بودند که اگر سادات و جمعی دیگر از مسئولان رژیم مصر به هلاکت برسند، احتمالاً قیام عمومی فراگیر شده و زمینه‌های انقلاب شکل می‌گیرد به همین دلیل از ادامه عملیات مورد نظر حتی پس از دستگیری این تعداد از



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فضای به وجود آمده حاصل از امضای قرارداد کمپ دیوید توسط انور سادات، مخالفت‌ها علیه حکومت وی به شدت تشدید یافت. اما در کنار این تأثیرات آشکاری که انقلاب ایران بر روحیه اسلام‌خواهی و عزت‌طلبی مسلمانان جهان و من جمله مسلمانان مصر گذاشته بود، بررسی رفتار دولت مصر نیز نشان می‌دهد که هم‌چون دیگر دولت‌های وابسته و دست‌نشانده غرب در خاورمیانه، به طور محسوسی از انقلاب ایران هراس داشت و درصدد مقابله با آن برمی‌آمد. هر چند به ثمر نشستن تلاش اسلام‌گرایان مصری، به علت حکومت مستبد سادات و مبارک میسر نشد اما آتشی خفته در زیر خاکستر بود که با گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب، دوباره سر برآورد و حکومت طاغوتی مبارک را سرنگون کرد.





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی  
پرتال جامع علوم انسانی